

(مقاله پژوهشی)

بررسی رابطه بین دسترسی مالی با توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه

صابر کلهری*^۱، فرشاد محمدیان^۲

چکیده

توانمندسازی اقتصادی زنان با حقوق بشر و عدالت اجتماعی مرتبط بوده و برای توسعه انسانی بسیار مهم است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد نشان داده است که توانمندسازی اقتصادی زنان نقش مهمی در از بین بردن تبعیض جنسیت و توسعه پایدار دارد؛ همچنین افزایش توانمندی اقتصادی زنان از طریق دسترسی و کنترل منابع ارزشمند، تأثیرات مثبتی بر رفاه زنان و نسل آینده دارد و از این رو توانمندسازی اقتصادی زنان، به سرمایه انسانی و قابلیت‌های انسانی نیز کمک می‌کند. مطالعه حاضر با هدف تأثیر دسترسی مالی بر میزان توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه، با استفاده از داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۸ و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) انجام گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در تعداد شعب بانک‌های تجاری، میزان توانمندسازی اقتصادی به اندازه ۰/۳۷ درصد افزایش می‌یابد؛ همچنین متغیرهای امید به زندگی، تحصیلات و هزینه‌های زندگی رابطه مثبت و معنادار و متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه رابطه معنادار و منفی با توانمندسازی اقتصادی دارند؛ لذا پیشنهاد می‌شود دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد سیاستگذار در جهت تسهیل، بهبود و افزایش اهدای وام‌های خوداشتغالی برای زنان در جهت فعال‌سازی آنها در جامعه و بازار کار تدابیری بیندیشند؛ همچنین با ارائه برنامه‌هایی در جهت افزایش سطح سواد و دانش زنان جامعه و با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای و در مجموع با ارائه خدمات جامع در جهت افزایش سلامت و طول عمر زنان، توانمندی اقتصادی زنان را بهبود بخشند.

کلیدواژگان

توانمندسازی اقتصادی، دسترسی مالی، زنان، گشتاورهای تعمیم‌یافته، خاورمیانه

۱. دانشجوی دکتری گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
saberkalhor888@gmail.com

۲. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اسدآباد، ۶۵۴۱۸۶۱۸۴۱، اسدآباد، ایران
f.mohammadian60@gmail.com

تاریخ دریافت: ۳۰ آبان ۱۴۰۰ - تاریخ پذیرش: ۲۵ دی ۱۴۰۰

مقدمه

توانمندسازی اقتصادی زنان برای احقاق حقوق ایشان و برابری جنسیتی امری محوری است. توانمندسازی اقتصادی زنان شامل توانایی زنان برای مشارکت برابر در بازارهای موجود، دسترسی و کنترل آنها به منابع تولیدی، کار مناسب، کنترل بر زمان، زندگی و بدن خود و مشارکت معنادار در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در همه سطوح از خانواده گرفته تا نهادهای بین‌المللی می‌باشد (زنان سازمان ملل^۱، ۲۰۲۱). توانمندسازی اقتصادی زنان بارها تحت اهداف توسعه پایدار مورد بحث قرار گرفته و به چالش مهم جهانی تبدیل شده است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد نشان داده است که توانمندسازی اقتصادی زنان نقش مهمی در از بین بردن تبعیض جنسیت و توسعه پایدار دارد؛ همچنین زنان دارای توان مالی بیشتر، به احتمال بیشتری موجب افزایش رفاه خانواده می‌شوند (کریم^۲، ۲۰۱۱: ۱۴). مطالعات قبلی نیز نشان داده است که توانمندسازی و منابع آن عمدتاً به مردان اختصاص داشته که نتیجه آن منجر به بدتر شدن وضعیت حقوق زنان شده است و موانعی که مانع پیشرفت اقتصادی زنان می‌شوند باید برای دستیابی به توانمندی بهتر زنان بررسی شوند. توانمندسازی زنان را می‌توان از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحلیل کرد (فریدمن^۳، ۱۹۹۲؛ مالهورا و شولر^۴، ۲۰۰۵: ۱۱). به اعتقاد باتلیوالا^۵ (۱۹۹۴: ۱۳۰) توانمندسازی زمانی به دست می‌آید که افراد بتوانند به منابع مادی، فکری و ایدئولوژیکی دسترسی داشته و آنها را تحت کنترل خود در آورند. از سوی دیگر، توانمندسازی اقتصادی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن ظرفیت افراد برای مشارکت و بهره‌مندی از فرایندهای رشد به نحوی افزایش می‌یابد که سهم آنها شناخته شده، از عزت نفس برخوردار شوند و مزایای رشد نیز به شیوه عادلانه‌ای توزیع شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۶، ۲۰۱۱: ۶).

مسائل مربوط به توانمندسازی اقتصادی، به ویژه توانمندسازی زنان، مستلزم توجه بیشتری است؛ زیرا توانمندسازی اقتصادی زنان به حقوق بشر و عدالت اجتماعی مرتبط است و برای توسعه انسانی بسیار مهم است. افزایش توانمندی اقتصادی زنان از طریق دسترسی به منابع ارزشمند، تأثیرات مثبتی بر رفاه زنان و نسل آینده دارد و از این رو توانمندسازی اقتصادی زنان به سرمایه انسانی و قابلیت‌های انسانی کمک می‌کند (اینگ و همکاران^۷، ۲۰۲۱: ۲۶۰). با این حال به طور کلی موقعیت اقتصادی زنان، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، پایین تر از مردان است (بانک جهانی، ۲۰۱۴: ۲۱). در اقتصادهای در حال توسعه، اکثر زنان باید وابسته به منابع خود بوده و به منابع مالی رسمی یا نیمه رسمی دسترسی

1. www.unwomen.org

نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و قدرت بخشیدن به زنان یا به اختصار زنان سازمان ملل

2. Karim

3. Friedman

4. Malhotra & Schuler

5. Batliwala

6. Organisation for Economic Co-operation and Development

7. Eng et al

داشته باشند. دسترسی مالی می‌تواند به‌طور مثبتی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان اثرگذار باشد؛ چراکه آنها را قادر می‌سازد در راه‌های مؤثرتری سرمایه‌گذاری داشته و وابستگی مالی خود را کاهش دهند. علاوه بر این دسترسی به خدمات مالی زنان را قادر می‌سازد شرایط خود را بهبود بخشیده و توانمندی اقتصادی خود را افزایش دهند. با این حال همیشه ارتباط مثبت بین دسترسی مالی و توانمندسازی اقتصادی زنان برقرار نیست.

نرخ مشارکت نیروی کار^۱ شاخص توانمندسازی اقتصادی مهمی بوده که توسط لاهوتی و سوامیناتان^۲ (۲۰۱۳)، چوداری و وریک^۳ (۲۰۱۴) و مرسی^۴ (۲۰۲۰) توصیه شده است. نرخ مشارکت نیروی کار معیاری از نسبت جمعیت شاغل یک کشور است که به‌طور فعال، چه با کار کردن و چه با در جست‌وجوی کار بودن، در بازار کار فعالیت می‌کنند. از طرف دیگر عرضه نیروی کار زنان هم محرک و هم نتیجه توسعه می‌باشد. با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان، اقتصاد کشورها این پتانسیل را دارند که در پاسخ به نیروی کار بالاتر، سریع‌تر رشد کنند. عرضه نیروی کار زنان باعث افزایش درآمد خانوارها می‌شود که به خانواده‌ها کمک می‌کند وضعیت معیشت بهتر شده و مصرف کالاها و خدمات خود را افزایش دهند. در عین حال با توسعه کشورها، معمولاً توانایی‌های زنان بهبود می‌یابد، و محدودیت‌های اجتماعی ضعیف شده و زنان را قادر می‌سازد تا در خارج از خانه مشغول به کار شوند. علاوه بر این شکاف جنسیتی در مشارکت نیروی کار (و تحصیلات) نیز با رشد اقتصادی ارتباط منفی دارد (کلاسن و لامانا^۵، ۲۰۰۹: ۱۰۸) و عدم پیشرفت در اشتغال نشان‌دهنده فرصت‌های اقتصادی از دست‌رفته است؛ چراکه این منبع ارزشمند (پتانسیل زنان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان نیروی کار) به‌نحو احسن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (وینکر^۶، ۲۰۱۶: ۲).

براساس آمار ارائه‌شده طی دو دهه گذشته، نرخ مشارکت جهانی نیروی کار زنان (گروه سنی ۱۵+) با وجود رشد کشورهای در حال توسعه، از ۵۱.۳ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۴۸.۵ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است (وریک^۷، ۲۰۱۸: ۴). اگرچه بیش از ۳۰۷ میلیون زن در ۲۰ سال گذشته به بازار کار پیوسته‌اند، فقط ۳۹.۲ درصد از نیروی کار جهان را زنان تشکیل می‌دهند. شکل شماره (۱) نرخ مشارکت نیروی کار زنان در سراسر جهان را نشان می‌دهد. با توجه به این شکل نرخ مشارکت زنان در کشورهای در حال توسعه بسیار متفاوت از مشارکت مردان است؛ به‌طور مثال در خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای جنوبی، نرخ مشارکت زنان بالای ۱۵ سال، کمتر از ۳۰ درصد است که در این بین خاورمیانه در پایین‌ترین وضعیت قرار دارد و این امر وضعیت بحرانی این مناطق را از نظر کم بودن مشارکت زنان

1. Labour force participation rate
2. Lahoti, R., & Swaminathan
3. Chaudhary & Verick
4. Morsy
5. Klasen & Lamanna
6. Winkler
7. Verick

در بازار کار نشان می‌دهد.



شکل ۱: نرخ مشارکت نیروی کار زنان در سراسر جهان

منبع: وریک، ۲۰۱۸

با توجه به موارد گفته شده و لزوم توانمندسازی اقتصادی زنان، مطالعه حاضر با ارزیابی اینکه آیا دسترسی به منابع مالی برای تقویت توانمندی اقتصادی زنان مفید است یا خیر، صورت می‌گیرد؛ چراکه با توجه به ماهیت پیچیده و همچنین بسیار پایین مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای در حال توسعه، تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی بر تصمیم و توانایی زنان برای مشارکت در بازار کار و در نتیجه تأثیر بر توانمندسازی اقتصادی آنها امری ضروری است؛ لذا هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر دسترسی مالی بر میزان مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای خاورمیانه با استفاده از داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۸ و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) می‌باشد. در ادامه مطالعات صورت گرفته در زمینه تحقیق ارائه شده است. بخش سه روش‌شناسی تحقیق را پوشش داده، نتایج در بخش چهار و در بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه شده است.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری به توانمندسازی و مفهوم آن پرداخته‌اند. باتلیوالا^۱ (۱۹۹۴: ۱۳۰) توانمندسازی را فرآیندی تعریف می‌کند که از طریق آن زنان کنترل بیشتری بر منابع مادی و فکری به دست آورده و ایدئولوژی مردسالاری و تبعیض مبتنی بر جنسیت را در تمام نهادها و ساختارهای جامعه به چالش می‌کشند (گوپتا و یسودیان^۲، ۲۰۰۶: ۳۶۶). اپلبام و همکاران^۳ (۱۹۹۹: ۲۳۷) بیان می‌کنند که

1. Batliwala
2. Gupta & Yesudian
3. Applebaum et al

توانمندسازی برای مقابله با روابط موجود، که منجر به تسلط گروه‌های زیردست توسط گروه‌های قدرتمندتر می‌شود، طراحی شده است. در مبانی نظری مربوط، بحث گسترده‌ای در مورد اینکه توانمندسازی زنان از چه چیزی تشکیل شده و چگونه اندازه‌گیری می‌شود وجود دارد، اما ادبیات به طور گسترده به «قدرت زنان در تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر نتایج مهم برای خود و خانواده‌شان» اشاره دارد (مالهوترا و همکاران^۱ ۲۰۰۲: ۵). توانمندسازی بر مفهوم قدرت دلالت دارد و انواع مختلفی دارد که توسط مالنا^۲ (۲۰۰۳: ۲) به شخصی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فکری تقسیم‌بندی شده است. توانمندسازی اقتصادی زنان به‌عنوان روشی برای مستقل کردن زنان از لحاظ اقتصادی شناخته می‌شود که به آنها اجازه می‌دهد با موقعیتی چالش‌برانگیز روبه‌رو شوند و نقش حیاتی خود را در فعالیت‌های مختلف توسعه ایفا کنند (کاپیلا و همکاران^۳، ۲۰۱۶: ۱).

دسترسی مالی، به تقویت توانمندسازی اقتصادی زنان و کاهش فقر کمک می‌کند و این امر با توسعه سرمایه اجتماعی، توسعه مهارت، برنامه‌های آموزشی و ارائه کمک‌های مالی از طریق تسهیلات اعتباری آسان است (حمیدا و همکاران^۴، ۲۰۱۷: ۱۱۰۴). بر اساس «نظریه توانمندسازی فمینیستی مایوکس»، مؤسسات مالی سهم بسزایی در کاهش تبعیض جنسیتی و افزایش توانمندی زنان داشته است (مایوکس^۵، ۱۹۹۸: ۲۲) و رابطه‌ای بین توانمندسازی اقتصادی زنان و مؤسسات تأمین مالی ایجاد می‌کند. براساس این نظریه، تأمین مالی هم توانمندسازی اقتصادی و هم اجتماعی را تقویت می‌کند (مایوکس، ۲۰۰۶: ۶). افزایش دسترسی مالی از طریق مؤسسات تأمین اعتبارات مالی نظیر بانک‌ها و مؤسسات تجاری به‌طور گسترده به‌عنوان ابزار توسعه مالی برای افراد و به‌ویژه زنان، که از دسترسی به خدمات مالی محروم هستند، شناخته می‌شود و ادبیات گسترده‌ای در مورد اینکه آیا توانمندسازی اقتصادی زنان ممکن است تا حدی از طریق دسترسی مالی حاصل شود یا خیر، ارائه شده است (خلف و سفالحیت^۶، ۲۰۲۰: ۳۸) که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره شده است.

به‌طور کلی دسترسی مالی نقش مهمی در افزایش توانمندی زنان ایفا می‌کند و منجر به ثبات مالی می‌شود (هان و ملکی^۷، ۲۰۱۳: ۱۶؛ سوامی^۸، ۲۰۱۴: ۱۴). دسترسی مالی با کنترل زنان بر دارایی‌ها و زندگی مالی آنها، توانمندی اقتصادی آنها را افزایش می‌دهد. دسترسی راحت به منابع مالی، بستری امن و رسمی برای زنان فراهم می‌کند تا درآمد خود را پس‌انداز کرده و از آن برای سرمایه‌گذاری‌های آینده آنها استفاده کنند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۱: ۷-۶) و علاوه بر این دسترسی زنان به اعتبار، منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر در فعالیت‌های درآمدزا می‌شود، در نهایت درآمد را افزایش

1. Malhotra et al
2. Malena
3. Kapila et al
4. Hameed et al
5. Mayoux
6. Khalaf & Saqfalhait
7. Han & Melecky
8. Swamy

می‌دهد و رفاه خانوارها را بهبود می‌بخشد (هالووی و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۷). مایوکس^۲ (۲۰۰۵: ۷) رابطه بین دسترسی مالی و توانمندسازی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان را در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بررسی کرد. نتایج این مطالعه نشان داد افزایش دسترسی زنان به خدمات مالی، آنها را قادر می‌سازد در مورد پس‌انداز و استفاده از اعتبار تصمیم‌گیری کرده، درآمد بیشتری را کنترل کرده و توانمندسازی اقتصادی را در سطح فردی بهبود بخشند؛ که افزایش توانمندی اقتصادی باعث افزایش رفاه زنان و همچنین توانمندسازی اجتماعی و سیاسی می‌شود. کبیر^۳ (۲۰۰۵: ۱۸) یافته‌های قبلی در مورد تأثیر دسترسی به منابع مالی بر توانمندسازی زنان فقیر در جنوب آسیا را مورد بررسی قرار داد و دریافت که دسترسی به خدمات مالی با افزایش بهره‌وری اقتصادی، منجر به توانمندسازی زنان شده که این امر رفاه اجتماعی زنان را نیز بهبود می‌بخشد. پیت و همکاران^۴ (۲۰۰۶: ۸۱۷) تأثیر دسترسی مالی بر توانمندسازی را در بنگلادش از سال ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که از لحاظ تئوری، دسترسی به خدمات مالی در بین زنان منجر به توانمندسازی بیشتر آنان می‌شود؛ زیرا دسترسی به اعتبار باعث می‌شود زنان دارای نقش فعال‌تری در تصمیم‌گیری خانواده، دسترسی بیشتر به منابع مالی و اقتصادی، و قدرت چانه‌زنی بیشتری شوند. اعجاز^۵ (۲۰۰۷: ۲۱۶) عوامل اصلی مشارکت نیروی کار زنان را در پاکستان در سال‌های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ اندازه گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد طرح‌های شمول مالی به افزایش مشارکت نیروی کار زنان در پاکستان کمک نمی‌کند. مونتگومری و ویس^۶ (۲۰۱۱: ۱۰۷) با استفاده از نظرسنجی از سه هزار خانواده وام‌گیرنده و غیروام‌گیرنده، تأثیر مشارکت مالی را بر توانمندسازی زنان در پاکستان بررسی کرده و به این نتیجه رسید که وام‌گیرندگان زن پس از گرفتن وام، بهبود قابل توجهی در توانمندسازی نداشته‌اند؛ در حقیقت آنها به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به هدف توانمندسازی، به محیط حمایتی نیاز است. تسانی و همکاران^۷ (۲۰۱۳: ۳۲۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی کشورهای مدیترانه‌ای طی سال‌های ۲۰۰۸ - ۱۹۶۰ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد در کشورهای مدیترانه‌ای رابطه‌ای غیرخطی و U شکل بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی طی دوره مورد مطالعه وجود دارد. ریگول و همکاران^۸ (۲۰۱۶: ۲۹) در مورد اینکه آیا مشارکت مالی (که توسط مالکیت حساب بانکی اندازه‌گیری شده) می‌تواند مشارکت نیروی کار زنان را در هند تقویت کند یا خیر، به این نتیجه رسیدند که مشارکت مالی به‌تنهایی نرخ مشارکت زنان در نیروی کار را بهبود

1. Holloway et al
2. Mayoux
3. Kabeer
4. Pitt et al
5. Ejaz
6. Montgomery & Weiss
7. Tsani et al
8. Rigol et al

نمی‌بخشد؛ حتی اگر زنان دارای حساب بانکی و دسترسی بیشتر به منابع مالی باشند. صدیک^۱ (۲۰۱۷): ۱۶۹) با مطالعه روی پانصد زن در بنگلادش نشان داد که مشارکت مالی با افزایش قدرت مصرف و موقعیت اجتماعی زنان، توانمندی اقتصادی آنها را بهبود می‌بخشد. عبدالرحمن و همکاران^۲ (۵۸:۲۰۲۰) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار پرداختند. نتایج این تحقیق رابطه منفی و بی‌معنی توسعه مالی با مشارکت زنان در کار را نشان داد که نشان‌دهنده این واقعیت است که اکثر بخش‌های مالی توسعه نیافته و تأثیر مثبت بخش‌های مالی در بازار کار، به‌ویژه در بازار کار زنان هنوز آشکار نشده است. اینگ و همکاران (۲۰۲۱: ۲۵۹) رابطه بین دسترسی مالی و توانمندسازی اقتصادی در میان زنان (یعنی مشارکت نیروی کار زنان) را در میان ۵۱ کشور در طی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند. آنها از تعداد شعب بانک‌ها و تعداد دستگاه‌های خودپرداز نسبت به هر صد هزار نفر بزرگسال به‌عنوان شاخص دسترسی مالی استفاده کردند. نتایج نشان داد تعداد شعب بانک‌ها اثرات قابل توجهی نسبت به دستگاه‌های خودپرداز بر میزان مشارکت نیروی کار زنان داشته است؛ به عبارتی خدمات شعب بانک‌ها تأثیر بیشتری بر توانمندسازی زنان دارد. ایانادا و همکاران^۳ (۲۰۲۱: ۱۰۶) به بررسی تأثیر خدمات بانک‌های مالی خرد بر توانمندسازی مشاغل زنان در ایالت کادونا پرداختند و نشان دادند پس‌اندازهای خرد، وام‌های خرد و کمک‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی مشاغل زنان دارد. آرچانا و بابو^۴ (۲۰۲۱: ۱۲۳۳) در پژوهشی نقش تأمین مالی خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان را بررسی کرده و نشان دادند مؤسسات مالی خرد نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی زنان دارند. در داخل کشور نیز در زمینه مشارکت نیروی کار زنان مطالعاتی صورت گرفته است. علمی و روستایی شلمانی (۱۳۹۳: ۱۱) به بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان کشورهای منتخب منا با استفاده از روش پل پروبیت کسری بازه صفر و یک در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد آموزش عالی بر نرخ مشارکت زنان این منطقه اثری مثبت و معنادار دارد. علیقلی (۱۳۹۵: ۶۳) به بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی در سال‌های ۲۰۱۳ - ۱۹۹۰ پرداخت و نشان داد نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مدارس ابتدایی، متوسطه و عالی بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارد. عباسی اسفنجیر و رضایی روشن (۱۳۹۶: ۷۳) در تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت زنان نشان دادند که متغیرهای نسبت اشتغال زنان به جمعیت، امید به زندگی زنان و جمعیت زنان در توضیح تغییرات متغیر نرخ مشارکت نیروی زن به مرد مؤثر است و اثری مثبت و معنی‌دار بر نرخ مشارکت نیروی زن به مرد داشته است؛ ولی متغیر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در توضیح تغییرات متغیر نرخ مشارکت نیروی زن به مرد در این کشورها اثری منفی و معنی‌دار داشته است. کمائی و افشاری (۱۳۹۶: ۴۱) عوامل تعیین‌کننده

1. Siddik
2. Abdulrahman et al
3. Ijanada et al
4. Archana & Babu

نرخ مشارکت زنان در نیروی کار را با استفاده از روش داده‌های پنل بررسی کرده و نشان دادند نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای مسلمان به‌طور معناداری کمتر از سایر کشورها است. شکوهی‌فرد و همکاران (۱۳۹۹: ۱) تأثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در بازار کار ایران و کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی منطقه را با استفاده از سیستم معادلات همزمان بررسی کرده و نشان دادند رابطه علی دوطرفه بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و متغیر فساد وجود دارد؛ همچنین نتایج این پژوهش نشان داد تأثیر آموزش بر مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب نیز مثبت و معنادار بوده است.

بررسی مطالعات نشان می‌دهد اکثر مقالات خارجی به بررسی تأثیر دسترسی مالی به توانمندسازی اقتصادی زنان از نظر تأمین مالی خرد می‌پردازند که برخلاف مطالعات قبلی، این پژوهش ارتباط دسترسی به منابع مالی و توانمندسازی اقتصادی زنان را با استفاده از شاخص‌های رسمی تر مؤسسات مالی بررسی یعنی تعداد شعب بانک‌های تجاری به ازای هر صد هزار نفر بزرگسال بررسی می‌کند؛ علاوه بر این تا کنون در مطالعات داخلی از این شاخص و از جنبه مؤسسات مالی رسمی، ارتباط دسترسی مالی و توانمندسازی اقتصادی زنان سنجیده نشده و مطالعه حاضر از این جهت دارای نوآوری می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر توانمندسازی اقتصادی زنان تمرکز داشته و این موضوع با میزان مشارکت زنان در نیروی کار^۱ نشان داده می‌شود. مطالعات متعددی از این شاخص برای سنجش وضعیت توانمندسازی اقتصادی زنان استفاده کرده‌اند. برای مثال غنی و همکاران^۲ (۲۰۱۳) پیامدهای توانمندسازی سیاسی بر توانمندسازی اقتصادی زنان را بررسی و از متغیر مشارکت زنان در نیروی کار برای انعکاس توانمندی اقتصادی زنان استفاده کردند. علاوه بر این به اعتقاد کبیر^۳ (۲۰۱۲: ۱۹) مشارکت زنان در نیروی کار به‌طور مستقیم با توانمندسازی اقتصادی زنان مرتبط است. چوداری و وریک (۲۰۱۴) نیز در مورد فعالیت‌های اقتصادی زنان هند، که با نرخ مشارکت زنان در نیروی کار اندازه‌گیری شده، بحث کردند. میزان نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در پایگاه داده ILOSTAT منتشر شده توسط سازمان بین‌المللی کار در دسترس می‌باشد. برای نشان دادن وضعیت دسترسی مالی در این پژوهش از شاخص تعداد شعب بانک‌های تجاری به ازای هر صد هزار نفر بزرگسال استفاده شده است. این متغیر نیز در پایگاه داده گزارش دسترسی مالی (FAS) منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) موجود است. مطالعات قبلی مانند مطالعات دگریس و اونگنا^۴ (۲۰۰۵)، سارما^۱ (۲۰۰۸)، سوفاستین فونگ و

1. female labour force participation
2. Ghani et al
3. Kabeer
4. Degryse & Ongena

کولتونگا^۲ (۲۰۰۸) از شعب بانک‌های تجاری برای نشان دادن میزان درجه دسترسی به منابع مالی در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند. چندین متغیر کنترلی نیز در مطالعه حاضر استفاده شده است تا علاوه بر بهبود تفسیر علی ضرایب برآوردشده، از سوگیری متغیرهای حذف‌شده نیز جلوگیری شود. این متغیرها عبارتند از تحصیلات (نرخ ثبت‌نام در مدارس متوسطه دختران (درصد))، امید به زندگی (سال)، تولید ناخالص داخلی سرانه (ارزش فعلی دلار آمریکا) و شاخص سطح قیمت مصرف خانوار؛ که نشان‌دهنده هزینه زندگی افراد می‌باشد. این شاخص براساس تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۱۷ استانداردسازی شده است. داده‌ها و اطلاعات این متغیرها از بانک جهانی و مرکز رشد و توسعه گرونینگن^۳ (GGDC) در طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۸ برای کشورهای خاورمیانه (قبرس، مصر، ایران، اسرائیل، اردن، کویت، عمان، لبنان، قطر، ترکیه و یمن^۴) جمع‌آوری گردیده است. در ادامه مدل اقتصادسنجی مورد استفاده معرفی شده است. در این پژوهش برای بررسی رابطه دسترسی مالی با توانمندسازی اقتصادی زنان از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$Llabour_{it} = \alpha Llabour_{it-1} + \beta_1 Lbank_{it} + \beta_2 Lgdp_{it} + \beta_3 Llife_{it} + \beta_4 Lsch_{it} + \beta_5 Lcost_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_{it} \quad (1)$$

در رابطه (۱) $Llabour_{it}$ و $Llabour_{it-1}$ به ترتیب لگاریتم میزان نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و میزان نرخ مشارکت زنان در نیروی کار با یک وقفه می‌باشد که نشان‌دهنده توانمندی اقتصادی زنان است. $Lbank_{it}$ به عنوان لگاریتم تعداد شعب بانک‌های تجاری به ازای هر صد هزار نفر بزرگسال، $Lgdp_{it}$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی، $life_{it}$ لگاریتم امید به زندگی، sch_{it} لگاریتم تحصیلات، $cost_{it}$ هزینه خانوار، ε_{it} جزء اخلاص، μ_{it} اثرات ثابت و اندیس‌های i و t نشان‌دهنده مقطع و کشورهای مورد بررسی است. هنگامی که در مدل داده‌های پنل، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود، دیگر برآوردهای OLS سازگار نیست (آرلانو و باند^۵، ۱۹۹۱: ۲۸۵-۲۹۱). و باید به روش‌های برآورد دومرحله‌ای 2SLS اندرسون هسیائو^۶ (۱۹۸۱) یا گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM آرلانو و باند (۱۹۸۱) متوسل شد. به گفته ماتیباس و سوستر^۷ (۲۰۱۹: ۲۰)، برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی‌دار نباشند؛ لذا روش GM دومرحله‌ای توسط آرلانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده و در این مطالعه برای تخمین رابطه (۲) از روش GMM استفاده می‌شود. مبنای اولیه مدل‌های

1. Sarma
2. Sophastienphong & Kulathunga
3. Groningen Growth and Development Centre

۴. با توجه به محدودیت داده‌ها حداکثر کشورهایی که داده‌های تحقیق برای آنها در دسترس بود کشورهای نامبرده می‌باشند.

5. Arellano and Bond
6. Anderson & Hsiao
7. Mátyás & Sevestre

GMM پویا توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱) مطرح شد که روش GMM تفاضلی مرتبه اول نامیده می‌شود و در واقع در این روش از وقفه متغیر وابسته به عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌شود. به کار بردن روش GMM مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی‌های فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی را دارد که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر در GMM خواهد بود. به طور کلی روش GMM پویا نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایای زیر است:

۱- حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی: مزیت اصلی تخمین GMM این است که تمام متغیرهای رگرسیون که همبستگی با جزء اخلاص ندارد (از جمله متغیرهای باوقفه و متغیرهای تفاضلی) می‌توانند به طور بالقوه متغیر ابزاری باشند (گرین^۱، ۲۰۰۸: ۴۳۴-۴۳۷).

۲- کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل: استفاده از متغیرهای وابسته و وقفه دار باعث از بین رفتن هم‌خطی در مدل می‌شود.

۳- حذف متغیرهای ثابت در طی زمان: کاربرد این روش باعث حذف بسیاری از متغیرها همانند فرهنگ، قومیت، مذهب، و اقلیم میشود که در طی زمان ثابت بوده و عوامل قدرتمند تأثیرگذاری بر درآمد سرانه و توسعه هستند و می‌توانند با نهاد همبسته باشند. این متغیرهای حذف شده، باعث ایجاد تورش در تخمین مدل می‌شوند. این شیوه این امکان را فراهم می‌کند که تأثیر این عوامل با تفاضل گرفتن از آمارها حذف شود (بالتاجی^۲، ۲۰۰۸: ۱۳۵-۱۴۸).

۴- افزایش بعد زمانی متغیرها: هرچند ممکن است تخمین برش مقطعی بتواند رابطه بلندمدت بین متغیرها را به دست آورد، این نوع تخمینها، مزیت‌های سری‌های زمانی آمارها را ندارند که کارآمدی برآوردها را افزایش دهند. استفاده از بعد زمانی سری آمار، این امکان را می‌دهد که تأثیر تمام عوامل مشاهده نشده ثابت زمانی، که تفاوت بین کشورها و درآمد سرانه را نشان می‌دهند، در برآورد ملاحظه شوند (هسایو^۳، ۲۰۰۳: ۳-۴).

پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول از مدل خواهیم داشت.

$$\Delta L\text{labour}_{it} = \alpha \Delta L\text{labour}_{it-1} + \beta_1 \Delta L\text{bank}_{it} + \beta_2 \Delta L\text{gdp}_{it} + \beta_3 \Delta L\text{life}_{it} + \beta_4 \Delta L\text{sch}_{it} + \beta_5 \Delta L\text{cost}_{it} + \Delta \varepsilon_{it} \quad (2)$$

یعنی ابتدا اقدام به تفاضل‌گیری میشود تا به این ترتیب به توان اثرات، مقاطع را به ترتیب از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقی مانده در مرحله اول، برای متوازن کردن ماتریس واریانس - کواریانس استفاده میشود. به عبارت دیگر این روش، متغیرهایی تحت عنوان متغیر ابزاری است (بالتاجی^۲، ۲۰۰۸: ۱۴۸-۱۳۵).

1. Greene
2. Baltagi
3. Hsiao

سازگاری تخمین‌زننده GMM به معنبر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون تصریح‌شده توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱)، آرلانو و بوور^۱ (۱۹۹۵) و بلوندل و باند^۲ (۱۹۹۸) آزمون شود. اولی آزمون سارگان از محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده است که معنبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. آماره آزمون سارگان دارای توزیع کای اسکوتر با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش‌ازحد است. عدم رد فرضیه صفر در این آزمون شواهدی را دال بر معنبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. آزمون دوم آزمون همبستگی سریالی است که به وسیله آماره M_2 وجود همبستگی سریالی مرتبه‌دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه‌اول را آزمون می‌کند. در این آزمون، تخمین‌زن GMM زمانی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه‌دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه‌اول وجود نداشته باشد. برای این منظور باید ضریب رگرسیونی مرتبه‌اول $AR(1)$ معنی‌دار باشد و ضریب خودرگرسیونی مرتبه‌دوم $AR(2)$ معنی‌دار نباشد.

لازم به ذکر است برای تخمین مدل ابتدا بایستی آزمون F لیمر برای تشخیص مدل اثرات ثابت از مدل داده‌های ترکیبی انجام شود. آماره این آزمون با استفاده از مجموع مربعات پسماند مقید (RRSS) حاصل از تخمین مدل ترکیبی OLS و مجموع مربعات پسماند غیرمقید (URSS) حاصل از برآورد رگرسیون درون‌گروهی به صورت ذیل معرفی شده است.

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / d}{URSS / (N - k - 1)} \sim F(d, N - K) \quad (3)$$

در آزمون F فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (روش pooling یا ترکیبی) در برابر فرضیه مخالف H_1 قرار گرفته و در صورت رد شدن فرضیه صفر، داده‌ها پنل می‌باشند (بالتاجی، ۲۰۰۸: ۵۵-۵۳).

یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج بررسی رابطه دسترسی مالی با توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه ارائه شده است. ابتدا نتایج آزمون لیمر برای بررسی پنل بودن داده‌ها در جدول (۱) نشان داده شده است. بر اساس نتایج این آزمون و با رد فرض صفر، برآورد مدل به صورت اثرات تجمعی مناسب نبوده و باید به صورت پنل برآورد شود.

جدول (۱): نتایج انتخاب مدل اثرات ثابت یا تصادفی

نتیجه	P-value	Chi2	آزمون
پنل	۰/۰۰	۷/۸۲	F

منبع: یافته‌های تحقیق

یکی از مسائلی که باید در مورد داده‌های سری زمانی و مدل‌های پنل مورد توجه قرار گیرد، مانایی

1. Arellano & Bover
2. Blundell & Bond

متغیرها می‌باشد. اگر متغیرهای مورد استفاده در مدل مانا نباشند، با رگرسیون کاذب مواجه خواهیم شد. در پژوهش حاضر برای آزمودن مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو LLC استفاده شده و نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ایستایی لوین، لین و چو

متغیر	نتایج آزمون LLC	
	مقدار آماره آزمون	سطح احتمال
Llabour	-۲/۸۶	۰/۰۰۲
Lbank	-۲/۸	۰/۰۰۲
Lgdp	-۵/۱۴	۰/۰۰۰
Llife	-۱۲/۰۶	۰/۰۰۰
Lsch	-۳/۶۳	۰/۰۰۰
Lcost	-۲/۹۴	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

همانگونه که از نتایج جدول (۲) مشخص است، تمامی متغیرها در سطح ایستا بوده و نیازی به تفاضل‌گیری نیست و بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در مدل برآورد شده وجود نخواهد داشت. نتایج حاصل از برآورد رابطه دسترسی مالی بر مشارکت نیروی کار زنان در جدول (۳) ارائه شده است؛ همچنین نتایج خوبی برای برازش مدل نیز توسط آزمون سارگان و همبستگی سریالی مرتبه دوم در این جدول قابل مشاهده می‌باشد. با توجه به نتایج و قبول فرض صفر در آزمون سارگان و همچنین عدم وجود خودهمبستگی درجه دوم، ابزارها به خوبی تعریف شده و مدل از اعتبار برخوردار است.

جدول (۳): نتایج حاصل از برآورد رابطه دسترسی مالی بر مشارکت نیروی کار زنان

متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار آماره Z	۱۰
Llabour (-۱)	۰/۹۲۵۹	۰/۱۵۷	۵/۸۹	۰/۰۰۰***
Lbank	۰/۳۷۵	۰/۲۱۳	۱/۷۶	۰/۰۷۸*
Lgdp	-۰/۲۴۷	۰/۱۲۱	-۲/۰۴	۰/۰۴۱**
Llife	۰/۲۴۲	۰/۰۵۹	۴/۰۵	۰/۰۰۰***
Lsch	۰/۵۶۴	۰/۲۶	۲/۱۶	۰/۰۳**
Lcost	۰/۴۲۲	۰/۱۷۲	۲/۴۵	۰/۰۱۴**
عرض از مبدأ	-۵/۴۳	۱/۲	۴/۵۲۵	۰/۰۰۰***
آزمون اعتبار ابزارها	مقدار ضریب	ارزش احتمال		
AR(1)	-۲/۴	۰/۰۱۵**		
AR(2)	-۰/۶۴	۰/۵۲		
سارگان	۳/۴۸	۰/۶۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق مقادیر **،*** و * به ترتیب نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۰،۱ و ۱۰ درصد می‌باشد. نتایج برآورد ارائه شده در جدول (۳) نشان می‌دهد وقفه متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار شده

است؛ به عبارتی تغییرات در نرخ مشارکت نیروی زنان مربوط به یک دوره نیست و نوسانات آن می‌تواند بر دوره‌های بعد نیز اثرگذار باشد. با توجه به نتایج، تعداد شعب بانک‌های تجاری بر مشارکت زنان در نیروی کار تأثیر مثبت داشته و این اثرگذاری در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است و با افزایش یک‌درصدی در تعداد شعب بانک‌های تجاری، میزان مشارکت زنان در نیروی کار به اندازه ۰/۳۷ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه با مطالعات حمید^۱ (۲۰۰۰)، ولی^۲ (۲۰۰۳)، کبیر (۲۰۰۵)، سوامی (۲۰۱۴) و هان و ملکی (۲۰۱۳) سازگار است و از لحاظ نظری، دسترسی به خدمات مالی به زنان کمک می‌کند تا قدرت چانه‌زنی بیشتری به دست آورند و منجر به توانمندسازی بیشتر زنان (مشارکت آنها در نیروی کار) می‌شود. همچنین افزایش دسترسی زنان به خدمات مالی، آنها را قادر می‌سازد در مواردی همچون پس‌انداز و استفاده از اعتبار، کنترل بیشتری بر درآمد خود داشته و با بهبود توانمندی اقتصادی، در سطح فردی راحت‌تر تصمیم بگیرند.

با توجه به نتایج، تحصیلات اثر مثبتی بر میزان مشارکت نیروی زنان داشته و این اثر در سطح پنج درصد معنادار است؛ به گونه‌ای که یک درصد افزایش در تحصیلات، مشارکت زنان در بازار کار را به اندازه ۰/۵۶ درصد افزایش می‌دهد. این نتیجه دور از ذهن نیست؛ زیرا انتظار می‌رود سطح تحصیلات رابطه مثبتی با توانمندسازی اقتصادی زنان داشته باشد؛ چون تحصیلات در نقطه تقابل با نقش سنتی زنان قرار داشته و زنان را قادر می‌سازد به چالش‌های اجتماع پاسخ داده و توانایی پیوستن خود به بازار کار را بهبود بخشند. این نتیجه با مطالعات قبلی همچون بیرسال و گریفین^۳ (۱۹۸۸) سازگار است. همچنین پساچاروپولوس و تزاناتوس^۴ (۱۹۸۹) اضافه می‌کنند که آموزش، تقویت‌کننده بالقوه برای مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای در حال توسعه است. کلاسن و پیترز^۵ (۲۰۱۳) نیز معتقدند آموزش اثر مثبتی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد؛ هرچند که این اثر کم می‌باشد.

نتایج نشان داد متغیر امید به زندگی اثر مثبت و معناداری بر مشارکت نیروی زنان داشته است؛ به طوری که یک درصد افزایش در امید زندگی، میزان مشارکت نیروی زنان را به اندازه ۰/۲۴ درصد افزایش می‌دهد. این نتیجه با مطالعه جایچاندران و لراس-مونی^۶ (۲۰۰۹) همخوانی دارد؛ چراکه افزایش امید به زندگی، سال‌های تحصیل بیشتری را برای دختران (نسبت به پسران) ایجاد می‌کند که این امر این به طور غیرمستقیم قدرت رقابت دختران را در بازار کار بهبود می‌بخشد. به عبارت دیگر با امید به زندگی طولانی‌تر، انتظار می‌رود زنان به تحصیلات عالی دست یافته و فرصت‌های کاری بیشتری پیدا کنند و توانمندی اقتصادی خود را افزایش دهند.

اثر منفی و معنادار تولید ناخالص داخلی بر میزان مشارکت نیروی کار زنان قابل توجه بوده و یک

1. Hamida
2. Vaill
3. Birdsall & Griffin
4. Psacharopoulos & Tzannatos
5. Klasen & Pieters
6. Jayachandran & Lleras-Muney

درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، میزان مشارکت زنان در بازار کار را به اندازه ۰/۲۴ درصد کاهش می‌دهد. این نتیجه با مطالعات کارشناس و مقدم^۱ (۲۰۰۱) و همچنین باسلونت و اوناران^۲ (۲۰۰۱) همخوانی دارد. دلیل این رابطه را میتوان این‌طور بیان کرد که تولید ناخالص داخلی با سرانه بالاتر به زنان اجازه می‌دهد در خانه بمانند و وارد بازار کار نشوند و در نتیجه سهم کمتری در بازار کار داشته باشند. همچنین عبدالحمید و چیدنی^۳ (۲۰۱۳) معتقدند زنان در کشورهایی با فرهنگ‌های سنتی، با افزایش تولید ناخالص داخلی، تمایل به کار کمتر و ماندگاری بیشتر در خانه داشته و از این‌رو زمانی که تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش می‌یابد، مشارکت زنان در نیروی کار کاهش می‌یابد که این امر به دلیل اثر دستمزد کم و هزینه فرصت‌های بالای کار در بیرون از خانه است.

هزینه‌های زندگی نیز در سطح پنج درصد اثر مثبت و معناداری بر مشارکت زنان در نیروی کار داشته و با افزایش یک درصدی آن، میزان مشارکت نیروی کار زنان به اندازه ۰/۴۲ درصد افزایش می‌یابد. هاس و همکاران^۴ (۲۰۰۶) و عبدالرحمان و همکاران^۵ (۲۰۲۰) نیز در مطالعه خود به نتیجه مشابهی دست یافتند. رابطه مثبت بین هزینه‌های خانوار با مشارکت نیروی کار زنان نشان می‌دهد که با افزایش هزینه‌های زندگی ممکن است زنان برای کمک به تأمین نیازها و هزینه‌های اولیه زندگی و خانواده، از خانه‌نشینی صرف‌نظر کرده و در بیرون از خانه مشغول به کار شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی اقتصادی، دسترسی زنان را به منابع و فرصت‌های اقتصادی از جمله مشاغل، خدمات مالی، دارایی‌ها، توسعه مهارت‌ها و اطلاعات بازار افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری در توانمندسازی اقتصادی زنان مسیر مستقیمی را به سوی برابری جنسیتی، ریشه‌کنی فقر، و رشد اقتصادی فراگیر تعیین می‌کند؛ چراکه زنان چه در تجارت، چه در مزارع، چه به‌عنوان کارآفرین یا کارمند کمک بزرگی به اقتصاد می‌کنند. بررسی تأثیر دسترسی مالی بر توانمندسازی اقتصادی زنان برای دستیابی به برابری جنسیتی و توسعه پایدار بسیار مهم می‌باشد و بهبود توانمندی اقتصادی زنان با توسعه انسانی و عدالت اجتماعی در ارتباط است. در پژوهش حاضر اثر دسترسی مالی بر توانمندسازی اقتصادی زنان در ۱۱ کشور منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ با استفاده از روش پنل پویای GMM بررسی گردید. برای این منظور از متغیر تعداد شعب بانک‌های تجاری به‌ازای هر صد هزار نفر بزرگسال برای نشان دادن میزان درجه دسترسی به منابع مالی و متغیر مشارکت زنان در نیروی کار به‌عنوان شاخص توانمندی اقتصادی زنان استفاده شد. دسترسی مالی نقشی حیاتی در افزایش توانمندی اقتصادی زنان

1. Karshenas & Moghadam
2. Baslevent & Onaran
3. Aboohamidi & Chidmi
4. Haas et al
5. Abdulrahman et al

ایفا کرده و این موضوع به‌طور گسترده‌ای مورد قبول می‌باشد و یافته‌های این تحقیق نیز نشان داد مشارکت زنان در بازار کار با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. امید به زندگی، تحصیلات و هزینه‌های زندگی رابطه مثبت و معناداری با نرخ مشارکت زنان در نیروی کار داشته است؛ درحالی‌که تولید ناخالص داخلی سرانه رابطه معنادار و منفی دارد.

به‌طور کلی با توجه به عوامل تأثیرگذار مذکور، می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی در کشورهای درحال توسعه خاورمیانه، از جمله ایران، به بهبود وضعیت توانمندی اقتصادی زنان کمک کرد. با توجه به رابطه مثبت دسترسی مالی و توانمندی اقتصادی زنان، پیشنهاد می‌شود دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد سیاستگذار در جهت تسهیل، بهبود و افزایش اهدای وام‌های خوداشتغالی برای زنان در جهت فعال‌سازی آنها و افزایش دسترسی مالی آنها و در نتیجه افزایش توانمندی اقتصادی آنها در جامعه تدابیری بیندیشند. همچنین پیشنهاد می‌شود با حذف موانع دسترسی به اعتبارات، به‌طور مثال حذف وثیقه و ضمانت‌های غیراصولی و غیرمنطقی، و با اعمال معافیت‌های مالیاتی، زمینه مناسب جهت دریافت تسهیلات و تأمین منابع مالی فراهم شده و با تدوین خط‌مشی‌ها، استراتژی‌ها و قوانین مناسب توسط دولت در جهت افزایش هرچه بیشتر و راحت‌تر دسترسی مالی زنان، زمینه افزایش توانمندی اقتصادی زنان را فراهم آورند. همچنین دولت‌ها می‌توانند با ارائه برنامه‌هایی در جهت افزایش سطح سواد و دانش زنان جامعه و با ارائه خدمات آموزشی و اشتغال، شامل حرفه‌آموزی و آموزش‌های مرتبط، در راستای توانمندسازی گامی مؤثر برداشته و در نهایت با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای همچون اقدامات بنیادین در برنامه‌های بهبود تغذیه جامعه و رشد مطلوب شاخص‌های مربوط به تغذیه زنان و دختران، تخصیص منابع مالی به حوزه ورزش زنان کشور و در مجموع ارائه خدمات جامع در جهت افزایش سلامت و طول عمر زنان، توانمندی اقتصادی زنان را بهبود بخشند.

منابع

- [۱] شکوهی فرد، سیامک؛ آل عمران، رؤیا؛ مهرگان، نادر، و رحیم‌زاده، فرزاد (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر فساد بر مشارکت نیروی کار زنان: رویکرد سیستم معادلات همزمان». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری. 10.22055/jqe.2020.32884.2228
- [۲] عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر و رضایی روشن، هدی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب خاورمیانه (با استفاده از داده‌های تابلویی)». زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، (۳): ۸-۹۲-۷۳.
- [۳] علمی، زهرا و روستایی شلمانی، خیزران (۱۳۹۳). «اثر توسعه بر مشارکت اقتصادی زنان کشورهای منا با استفاده از روش پانل پروبیت کسری» پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، (۱۴): ۴-۲۸-۱.
- [۴] علیقلی، منصوره (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی». فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، (۲): ۱۴-۶۳-۸۶.
- [۵] کمائی، رها و افشاری، زهرا (۱۳۹۶). «عوامل تعیین‌کننده مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای منتخب (تحلیل پنل)» مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، (۵۰): ۱۹۱-۱۵۹.

- [6] Abdulrahman, A. A.; Chandra, P. A. & Raef, A. (2020). "Factors Determining Female Labor Participation in Job Market in the Middle East and North Africa (MENA) Countries". *Populasi*, 28 (1): 44-62.
- [7] Aboohamidi, A., & Chidmi, B. (2013). Female Labor Force Participation in Pakistan and Some MENA Countries (No. 1373-2016-109220).
- [8] Anderson, T. W., & Hsiao, C. (1981). "Estimation of dynamic models with error components" *Journal of the American Statistical Association*, 76 (375): 598-606.
- [9] Appelbaum, S. H., Hébert, D., & Leroux, S. (1999). "Empowerment: power, culture and leadership—a strategy or fad for the millennium?" *Journal of Workplace Learning*.
- [10] Archana, J., & Babu, R. P. (2021). *Role of Microfinance Institutions in Economic Empowerment of Women at Bengaluru Urban District*. Design Engineering, 1233-1241.
- [11] Arellano, M., & Bover, O. (1995). "Another look at the instrumental variable estimation of error-components models" *Journal of econometrics*, 68(1): 29-51.
- [12] Arellano, M., Bond, S. (1991). "Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations" *Rev. Econ. Stud.* 58 (2): 277-297.
- [13] Baltagi, B. H. (2008). *Econometric Analysis of Panel Data*, Chichester: John Wiley and Sons.
- [14] Baslevant, C., & Onaran, O. (2003). "Are Married Women in Turkey More Likely to Become Added or Discouraged Workers?" *Labour*, 17(3): 439-458.
- [15] Batliwala, S. (1994). *The meaning of women's empowerment: new concepts from action*, in: G. Sen; A. Germain and LC Chen (eds) *population policies reconsidered: health, empowerment and rights*.
- [16] Birdsall, N., & Griffin, C. (1988). "Fertility and Poverty in Developing Countries. *Journal of Policy Modeling*" 10(1): 29-55.
- [17] Blundell, R., & Bond, S. (1998). "Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models" *Journal of econometrics*, 87(1): 115-143.
- [18] Chaudhary, R., & Verick, S. (2014, October). Female labour force participation in India and beyond. (ILO Working Papers).
- [19] Degryse, H., & Ongena, S. (2005). "Distance, lending relationships and competition" *The Journal of Financial* (60): 231-266.
- [20] Ejaz, M. (2007). "Determinants of female labour force participation in Pakistan an empirical analysis of PSLM (2004-05) Micro Data" *Lahore Journal of Economics*, (12): 204-235.
- [21] Eng, K. Y., Law, C. H., & Loke, Y. J. (2021). "The Impact of Financial Access on Female Labour Force Participation: Evidence from Panel Estimation" *Malaysian Journal of Social Sciences and Humanities (MJSSH)*, 6(3): 259-271.
- [22] Friedman, J. (1992). *Empowerment. The politics of an alternative development*. Oxford: Basil Blackwell.
- [23] Ghani, S. E., Mani, A., & O'Connell, S. D. (2013). *Can political empowerment help economic empowerment? Women leaders and female labor force participation in India. Women Leaders and Female Labor Force Participation in India* (October 1, 2013). World Bank Policy Research Working Paper, (6675).
- [24] Greene, W. H. (2008). *Econometric analysis – sixth edition*. New Jersey, Upper Saddle River: Pearson International.
- [25] Gupta, K., & Yesudian, P. P. (2006). "Evidence of women's empowerment in India: A study of socio-spatial disparities" *GeoJournal*, 65(4): 365-380.
- [26] Haas, B., Steiber, N., Hartel, M., & Wallace, C. (2006). "Household employment patterns in an enlarged European Union. Work" *Employment and Society*, 20(4): 751-

- 771.
- [27] Hamida, E.B. (2000). *Empowering Women through Microcredit: A case study from Tunisia. Paper presented at the MDF3: Civil Society Workshop*, Cairo, Egypt.
- [28] Han, R., & Melecky, M. (2013). Financial inclusion for financial stability: Access to bank deposits and the growth of deposits in the global financial crisis. World bank policy research working paper, (6577).
- [29] Holloway, K., Niazi, Z., & Rouse, R. (2017). *Women's Economic Empowerment through financial inclusion: a review of existing evidence and remaining knowledge gaps*. New Haven, CT: Innovations for Poverty Action.
- [30] Hsiao, C. (2003). *Analysis of panel data*, 2nd edition. Cambridge University Press. <https://www.unwomen.org/en/what-we-do/economic-empowerment/facts-and-figures>
- [31] Ijanada, F. F., Inusa, A., & Shika, M. A. Impact of microfinance bank services on women empowerment: The case for women entrepreneurs in Kaduna State, Nigeria.
- [32] Jayachandran, S., & Lleras-Muney, A. (2009). "Life Expectancy and Human Capital Investments: Evidence from Maternal Mortality Declines" *Quarterly Journal Economics*, 124(1): 349–398.
- [33] Kabeer, N. (2005). "Gender Equality and Women's empowerment: A Critical Analysis of the Third Millennium Development Goal" *Gender and Development*, 13(1): 13-24.
- [34] Kabeer, N. (2012). *Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development*.
- [35] Kapila, M., Singla, A., & Gupta, M. L. (2016, June). Impact of microcredit on women empowerment in India: An empirical study of Punjab state. In *Proceedings of the World Congress on Engineering (Vol. 2)*. London, United Kingdom: Newswood Limited.
- [36] Karim, L. (2011). *Microfinance and Its Discontents: Women in Debt in Bangladesh*. MN: University of Minnesota Press.
- [37] Karshenas, M., & Moghadam, V. (2001). "Female Labor Force Participation and Economic Adjustment in the MENA Region" *The Economics of Women and Work in the Middle East and North Africa*, (4): 51-74.
- [38] Khalaf, L. S., & Saqfalhait, N. I. (2020). *Microfinance: An Emerging Tool for Women's Economic Empowerment*. In *Entrepreneurial Opportunities*. Emerald Publishing Limited.
- [39] Klasen, S., & Pieters, J. (2015). "What explains the stagnation of female labor force participation in urban India?" *The World Bank Economic Review*, 29(3): 449-478.
- [40] Klasen, S., Lamanna, F. (2009). "The impact of gender inequality in education and employment on economic growth: New evidence for a panel of countries" *Feminist Economics* 15 (3): 91–132.
- [41] Lahoti, R., & Swaminathan, H. (2013). *Economic development and female labor force participation in India*. IIM Bangalore Research Paper, (414).
- [42] Malena, C. (2003). *Measuring empowerment at the national level: the case of the CIVICUS Civil Society Index (CSI)*. Measuring Empowerment: Cross-Disciplinary Perspectives, Washington, DC.
- [43] Malhotra, A., & Schuler, S.R. (2005). *Women's empowerment as a variable in international development*. Paper presented at the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New perspectives.
- [44] Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002, June). *Measuring women's empowerment as a variable in international development*. In background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives (Vol. 28).
- [45] Mátyás, L., & Sevestre, P. (1993). *Linear models for panel data* (No. 2012-2018-559).

- [56] Mayoux, L. (1999). "Questioning virtuous spirals: micro-finance and women's empowerment in Africa" *Journal of international development*, 11(7): 957.
- [47] Mayoux, L. (2005). Women's Empowerment through Sustainable Microfinance: Rethinking Best Practice. Enterprise Development Impact Assessment Information Service.
- [48] Mayoux, L. (2006). Women's Empowerment through Sustainable Microfinance: Rethinking "Best Practice". Eldis Gender Guide: 47-62.
- [49] Montgomery, H., & Weiss, J. (2011). "Can commercially-oriented microfinance help meet the millennium development goals? Evidence from Pakistan" *World Development* (39): 87-109.
- [50] Morsy, H. (2020). "Access to finance—Mind the gender gap: *The Quarterly Review of Economics and Finance*, (78): 12-21.
- [51] OECD. (2011, April). Women Economic Empowerment (OECD-DAC GENDERNET Issues Paper).
- [52] Pitt, M. M., S.R. Khandker & J. Cartwright (2006). "Empowering women with microfinance: Evidence from Bangladesh" *Economic Development and Cultural Change* (54): 791-831.
- [53] Psacharopoulos, G., & Tzannatos, Z. (1989). "Female labour force participation: An international perspective" *The World Bank Research Observer*, 4(2): 187-201.
- [54] Rigol, N., Pande, R., Field, E., Schaner, S., & Moore, C. T. (2016, November). On Her Account: Can Strengthening Women's Financial Control Boost Female Labor Supply.
- [55] Sarma, M. (2008, June). Index of financial inclusion (CRIER Working Paper No. 215).
- [56] Siddik, M. N. A. (2017). "Does financial inclusion promote women empowerment? Evidence from Bangladesh" *Applied Economics and Finance*, 4(4): 169-177.
- [57] Sophastienphong, K., & Kulathunga, A. (2008). Getting finance in South Asia 2009: indicators and analysis of the commercial banking sector. Washington D.C.: World Bank.
- [58] Swamy, V. (2014). "Financial inclusion, gender dimension and economic impact on poor households" *World Development* (56): 1-15.
- [59] Tsani, Stella, Leonidas Paroussos, Costas Fragiadakis, Ioannis Charalambidis, and Pantelis Capros. (2013), "Female labour force participation and economic growth in the South Mediterranean countries" *Economics Letters* 120, (2): 323-328.
- [60] Ul-Hameed, W., Mohammad, H., & Shahar, H. (2018). "Retracted: Microfinance institute's non-financial services and women-empowerment: The role of vulnerability" *Management Science Letters*, 8(10): 1103-1116.
- [61] Vaill, S. (2003). More than Money: Strategies to build women's economic power (Impact Report No. 1: Economic Opportunity Initiative). San Francisco: The Global Fund for Women.
- [62] Verick, S. (2018). Female labor force participation and development. IZA World of Labor.
- [63] Winkler, A. E. (2016). Women's labor force participation. IZA World of Labor.
- [64] World Bank (2014) Global Financial Development Report 2014: Financial inclusion. Washington, D.C.: World Bank.